

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان
وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى ﴿١﴾

فولادوند: سوگند به اختر [= قرآن] چون فرود می آید

مکارم: سوگند به ستاره هنگامی که افول می کند.

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى ﴿٢﴾

فولادوند: [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده

مکارم: که هرگز دوست شما (محمد) منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است.

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى ﴿٣﴾

فولادوند: و از سر هوس سخن نمی گوید

مکارم: و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى ﴿٤﴾

فولادوند: این سخن بجز وحیی که وحی می شود نیست

مکارم: آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ﴿٥﴾

فولادوند: آن را [فرشته] شدیدالقوی به او فرا آموخت

مکارم: آنکس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده.

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ﴿٦﴾

فولادوند: [سروش] نیرومندی که [مسلط] درایستاد

مکارم: همان کس که توانائی فوق العاده و سلطه بر همه چیز دارد.

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ﴿٧﴾

فولادوند: در حالی که او در افق اعلی بود

مکارم: در حالی که در افق اعلی قرار داشت.

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ﴿٨﴾

فولادوند: سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد

مکارم: سپس نزدیکتر و نزدیکتر شد.

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ﴿٩﴾

فولادوند: تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد

مکارم: تا آنکه فاصله او به اندازه دو کمان یا کمتر بود.

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾

فولادوند: آنگاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند وحی فرمود

مکارم: در اینجا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده‌اش وحی نمود.

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ﴿١١﴾

فولادوند: آنچه را دل دید انکار[ش] نکرد

مکارم: قلب او در آنچه دید هرگز دروغ نمی‌گفت.

أَفْتَمَارُؤُهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١٢﴾

فولادوند: آیا در آنچه دیده است با او جدال می‌کنید

مکارم: آیا با او درباره آنچه دیده مجادله می‌کنید.

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾

فولادوند: و قطعاً بار دیگری هم او را دیده است

مکارم: و بار دیگر او را مشاهده کرد.

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ﴿١٤﴾

فولادوند: نزدیک سدرالمنتهی

مکارم: نزد سدره المنتهی!

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾

فولادوند: در همان جا که جنة‌المای است

مکارم: که جنت‌المای در آنجا است.

إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ﴿١٦﴾

فولادوند: آنگاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود پوشیده بود

مکارم: در آن هنگام که چیزی (نور خیره کننده‌ای) سدره المنتهی را پوشانده بود.

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى ﴿١٧﴾

فولادوند: دیده [اش] منحرف نگشت و [از حد] در نگذشت

مکارم: و چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نمود.

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ﴿١٨﴾

فولادوند: به راستی که [برخی] از آیات بزرگ پروردگار خود را بدید

مکارم: او پاره‌ای از آیات و نشانه‌های بزرگ پروردگارش را مشاهده کرد.

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿١٩﴾

فولادوند: به من خبر دهید از لات و عزی

مکارم: به من خبر دهید آیا بت‌های «لات» و «عزی»...

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى ﴿٢٠﴾

فولادوند: و منات آن سومین دیگر

مکارم: و منات که سومین آنها است (دختران خدا هستند)!

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ﴿٢١﴾

فولادوند: آیا [به خیالتان] برای شما پسر است و برای او دختر

مکارم: آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟ (در حالی که به زعم شما دختران کم ارزش تر از پسرانند).

تِلْكَ إِذَا قَسَمَةٌ ضِيزَىٰ ﴿٢٢﴾

فولادوند: در این صورت این تقسیم نادرستی است

مکارم: در این صورت این تقسیمی است غیر عادلانه!

إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى
الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ ﴿٢٣﴾

فولادوند: [این بتان] جز نام‌هایی بیش نیستند که شما و پدران‌تان نامگذاری کرده‌اید [و] خدا بر [حقانیت] آنها هیچ دلیلی

نفرستاده است [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی‌کنند با آنکه قطعا از جانب پروردگارشان هدایت برایشان

آمده است

مکارم: اینها فقط نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته‌اید (نامهایی بیمحتوا و اسمهایی است بیمسمی!) و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده، آنان فقط از گمانهای بیاساس و هوای نفس پیروی می‌کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است.

﴿۲۴﴾

فولادوند: مگر انسان آنچه را آرزو کند دارد

مکارم: آیا آنچه انسان تمنا دارد به آن می‌رسد؟

﴿۲۵﴾

فولادوند: آن سرا و این سرا از آن خداست

مکارم: در حالی که آخرت و دنیا از آن خدا است.

وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُعْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى

﴿۲۶﴾

فولادوند: و بسا فرشتگانی که در آسمانهایند [و] شفاعتشان به کاری نیاید مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد

مکارم: و چه بسیار فرشتگانی که در آسمانها هستند و شفاعت آنها سودی نمی‌بخشد مگر بعد از آنکه خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد.

﴿۲۷﴾

فولادوند: در حقیقت کسانی که آخرت را باور ندارند فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنث نام می‌زنند

مکارم: کسانی که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را دختر (خدا) نامگذاری می‌کنند.

﴿۲۸﴾

فولادوند: و ایشان را به این [کار] معرفتی نیست جز گمان [خود] را پیروی نمی‌کنند و در واقع گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند

مکارم: آنها هرگز به این سخن یقین ندارند تنها از ظن و گمان بیپایه پیروی می‌نمایند، با اینکه گمان هرگز انسان را بینای از حق نمی‌کند.

﴿۲۹﴾

فولادوند: پس از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است روی برتاب

مکارم: حال که چنین است از اینها که از ذکر ما روی می‌گردانند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبند، اعراض کن.

ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى ﴿٣٠﴾

فولادوند: این منتهای دانش آنان است پروردگار تو خود به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به کسی که راه یافته

[نیز] آگاه‌تر است

مکارم: این آخرین حد آگاهی آنها است، پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده‌اند به خوبی می‌شناسد، و هدایت یافتگان

را از همه بهتر می‌داند.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

﴿٣١﴾

فولادوند: و هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن خداست تا کسانی را که بد کرده‌اند به [سزای] آنچه انجام داده‌اند

کیفر دهد و آنان را که نیکی کرده‌اند به نیکی پاداش دهد

مکارم: برای خدا است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به خاطر اعمال بدشان کیفر دهد، و نیکوکاران را در برابر

اعمال نیکشان پاداش.

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَعْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ

الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى ﴿٣٢﴾

فولادوند: آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاریها جز لغزشهای کوچک خودداری می‌ورزند پروردگارت [نسبت به آنها] فراخ‌آمرزش

است وی از آن دم که شما را از زمین پدید آورد و از همان‌گاه که در شکمهای مادرانتان [در زهدان] نهفته بودید به [حال] شما

دانتر است پس خودتان را پاک شمارید او به [حال] کسی که پرهیزگاری نموده دانتر است

مکارم: همانها که از گناهان کبیره و اعمال زشت، جز صغیره، دوری می‌کنند، آمرزش پروردگار تو گسترده است، او نسبت به شما

از همه آگاهتر است، از آن هنگام که شما را از زمین آفرید، و در آن موقع که به صورت جنینهای در شکم مادرانتان بودید، پس

خودستائی نکنید چرا که او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد.

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ﴿٣٣﴾

فولادوند: پس آیا آن کسی را که [از جهاد] روی برتافت دیدی

مکارم: آیا آن کس را که از اسلام (یا انفاق) روی گردان شد مشاهده کردی؟!

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ﴿٣٤﴾

فولادوند: و اندکی بخشید و [از باقی] امتناع ورزید

مکارم: و کمی عطا کرد و از بیشتر امساک نمود.

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى ﴿٣٥﴾

فولادوند: آیا علم غیب پیش اوست و او می بیند

مکارم: آیا نزد او علم غیب است و می بیند (که دیگران می توانند گناهان او را بردوش گیرند).

أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ﴿٣٦﴾

فولادوند: یا بدانچه در صحیفه های موسی [آمده] خبر نیافته است

مکارم: یا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است ؟

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ﴿٣٧﴾

فولادوند: و [نیز در نوشته های] همان ابراهیمی که وفا کرد

مکارم: و در کتب ابراهیم همان کسی که وظیفه خود را به طور کامل ادا کرد.

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ﴿٣٨﴾

فولادوند: که هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر نمی دارد

مکارم: که هیچکس بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد.

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾

فولادوند: و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست

مکارم: و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست.

وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يُرَى ﴿٤٠﴾

فولادوند: و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد

مکارم: و اینکه سعیش به زودی دیده می شود (و به نتیجه اش می رسد).

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ﴿٤١﴾

فولادوند: سپس هر چه تمامتر وی را پاداش دهند

مکارم: سپس به او جزای کافی داده خواهد شد.

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنتَهَىٰ ﴿٤٢﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: و اینکه پایان [کار] به سوی پروردگار توست

مکارم: (و آیا از کتب پیشین انبیاء به او نرسیده است) که همه امور به پروردگارت باز می‌گردد؟

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿٤٣﴾

فولادوند: و هم اوست که می‌خنداند و می‌گریاند

مکارم: و اینکه او است که می‌خنداند و می‌گریاند!

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾

فولادوند: و هم اوست که می‌میراند و زنده می‌گرداند

مکارم: و او است که می‌میراند و زنده می‌کند.

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٤٥﴾

فولادوند: و هم اوست که دو نوع می‌آفریند نر و ماده

مکارم: و او است که دو زوج مذکر و مؤنث را می‌آفریند،

مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ﴿٤٦﴾

فولادوند: از نطفه‌ای چون فرو ریخته شود

مکارم: از نطفه‌ای که خارج می‌شود (و در رحم میریزد).

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْآخِرَى ﴿٤٧﴾

فولادوند: و هم پدید آوردن [عالم] دیگر بر [عهد] اوست

مکارم: و اینکه بر خدا است ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد).

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى ﴿٤٨﴾

فولادوند: و هم اوست که [شما را] بی‌نیاز کرد و سرمایه بخشید

مکارم: و اینکه او است که بینیا می‌کند، و سرمایه باقی می‌بخشد.

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَى ﴿٤٩﴾

فولادوند: و هم اوست پروردگار ستاره شعری

مکارم: و اینکه او است پروردگار ستاره شعری.

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى ﴿٥٠﴾

فولادوند: و هم اوست که عادیان قدیم را هلاک کرد

مکارم: (و آیا به انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) که خداوند قوم «عاد نخستین» را هلاک کرد؟

وَتَمُودَ فَمَا أَبْقَى ﴿٥١﴾

فولادوند: و تمود را [نیز هلاک کرد] و [کسی را] باقی نگذاشت

مکارم: و همچنین «قوم تمود» را، و کسی از آنها را باقی نگذارد.

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى ﴿٥٢﴾

فولادوند: و بیشتر [از همه آنها] قوم نوح را زیرا که آنان ستمگتر و سرکش‌تر بودند

مکارم: و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنها از همه ظالمتر و طغیانگتر بودند.

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى ﴿٥٣﴾

فولادوند: و شهرها [ی س دوم و عاموره] را فرو افکند

مکارم: و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را بر زمین کوبید.

فَعَشَّاهَا مَا غَشَّى ﴿٥٤﴾

فولادوند: پوشاند بر آن [دو شهر از باران گوگردی] آنچه را پوشاند

مکارم: سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید!

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى ﴿٥٥﴾

فولادوند: پس به کدام يك از نعمتهای پروردگارت تردید روا می‌داری

مکارم: (بگو) در کداميك از نعمتهای پروردگارت تردید داری؟!

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذُرِ الْأُولَى ﴿٥٦﴾

فولادوند: این [پیامبر نیز] بیم‌دهنده‌ای از [جمله] بیم‌دهندگان نخستین است

مکارم: این (پیامبر) بیم‌دهنده‌ای از بیم‌دهنده گان پیشین است.

أَزِفَتْ الْأَزِفَةُ ﴿٥٧﴾

فولادوند: [وہ چه] نزدیک گشت قیامت

مکارم: آنچه باید نزدیک شود نزدیک شده است (و قیامت فرا می‌رسد).

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: جز خدا کسی آشکارکننده آن نیست

مکارم: و هیچکس جز خدا نمی‌تواند شدائد آنرا برطرف سازد.

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾

فولادوند: آیا از این سخن عجب دارید

مکارم: آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾

فولادوند: و می‌خندید و نمی‌گریید

مکارم: و می‌خندید و نمی‌گریید؟

وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ﴿٦١﴾

فولادوند: و شما در غفلتید

مکارم: و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می‌برید؟

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾

فولادوند: پس خدا را سجده کنید و پرستید

مکارم: حال که چنین است همه برای خدا سجده کنید و پرستش نمائید.

